

نقش ویژگیهای شخصیتی و ابعاد فرزندپروری خانواده

در خودخاموشی و خودنقدی نوجوانان

فریده سادات حسینی^۱

کبری درویشی^۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۷/۲۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۵/۱۱

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش ابعاد فرزندپروری خانواده و ویژگیهای شخصیتی در خودخاموشی و خودنقدی نوجوانان صورت گرفته است. روش تحقیق این پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، تمام دانش‌آموزان مقاطع سوم راهنمایی و اول دبیرستان شهرستان دیر هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای، ۵۰۱ نفر با توجه به جامعه آماری انتخاب شده‌اند. به منظور بررسی متغیرهای پژوهش، هر یک از شرکت‌کنندگان پرسشنامه فرزندپروری (استینبرگ و همکاران، ۱۹۹۲)، پرسشنامه شش عاملی شخصیت (اشتون و لی، ۲۰۰۰)، مقیاس خودخاموشی (جک و دیل، ۱۹۹۲) و پرسشنامه تجربه افسرده‌ساز (بلات و همکاران، ۱۹۷۹) را تکمیل نمودند. داده‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و روش آماری رگرسیون چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که از میان ویژگیهای شخصیتی، متغیرهای برونگرایی، صداقت - فروتنی و وظیفه‌شناسی پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت و معنادار و متغیرهای گشودگی به تجربه و هیجان‌پذیری پیش‌بینی‌کننده‌های منفی و معنادار خودنقدی است. از میان ابعاد فرزندپروری، متغیر نظارت و سختگیری می‌تواند خودانتقادی نوجوانان را به صورت مثبتی پیش‌بینی کند. همچنین متغیرهای هیجان‌پذیری، سازگاری و وظیفه‌شناسی از ابعاد ویژگیهای شخصیتی و گرمی و پذیرش و اعطای استقلال از ابعاد فرزندپروری می‌تواند خودخاموشی نوجوانان را پیش‌بینی کند. الگوی متفاوتی از متغیرها را باید برای تبیین خودخاموشی و خود انتقادی نوجوانان بر اساس ویژگیهای شخصیتی و فرزندپروری به کار برد که به تفکیک مورد بحث قرار گرفت.

کلید واژه‌ها: ویژگیهای شخصیتی، ابعاد فرزندپروری، خودخاموشی جوانان، خودنقدی نوجوانان، پرورش نوجوانان.

fsadathoseini@yahoo.com

eshgham_quran@yahoo.com

۱ - استادیار گروه روانشناسی دانشگاه خلیج فارس

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه خلیج فارس

مقدمه

دوره نوجوانی به دلیل تحولات عمده در ابعاد مختلف تحول از حساسترین دوره‌های زندگی انسان است. دوره‌ای که در آن سه گستره روانی، اجتماعی و زیستی دچار تحول بنیادین می‌شود. تغییرات عمیق و تحولات سریع دوره نوجوانی از یک سو و بحرانهای اجتماعی و کاهش شبکه ارتباطی خانوادگی و اجتماعی از سوی دیگر، زمینه‌ساز بروز تنیدگیهای بیشتری در نوجوانان زمانه حاضر شده است (اکسیامی^۱ و اسلسنیک^۲، ۲۰۱۱)؛ به همین دلیل، مرحله انتقال از دوره نوجوانی به بزرگسالی یکی از دشوارترین مراحل رشد به شمار می‌رود. بعضی افراد از دوران نوجوانی با اعتماد به نفس و احساس سالمی از چگونگی هویت پا به عرصه بزرگسالی می‌گذارند. با این حال در برخی از موارد، تغییرات و خواسته‌های دوران نوجوانی، ممکن است باعث احساس درماندگی، گیجی و دید بدبینانه به آینده در نوجوان شود. یکی از پیامدهای این تغییرات، افزایش آسیب‌پذیری نوجوان به افسردگی است (دمیت^۳، ۲۰۰۶). این تجربه افسردگی را می‌توان در دو حیطه کلی وابستگی و خودانتقادی^۴ طبقه‌بندی کرد (بلات، ۱۹۷۴).

یکی از نظریه‌هایی که از دید وابستگی به تبیین تجربه افسردگی می‌پردازد، نظریه خودخاموشی^۵ است. خودخاموشی به صورت تمایل به مراقبت اجباری، خشنودسازی دیگران، مهار ابراز وجود در روابط و تلاش برای دستیابی به صمیمیت و نیازهای رابطه‌ای تعریف شده است (کار، گیلروی و شرمن، ۱۹۹۶؛ به نقل از آشر و پرز، ۲۰۱۰). روانشناسان بر این باور هستند که خودخاموشی در دو سطح بالا و پایین در افراد گوناگون ایجاد می‌شود. افراد دارای خودخاموشی زیاد بر عکس افراد با خودخاموشی کم، انسانهای از خود گذشته و فداکاری هستند که ناراحتیها و مشکلاتشان را نزد خود نگه می‌دارند. این قبیل افراد برای گسترش و حفظ روابطشان تلاش زیادی می‌کنند. ناراحتی‌های آنها اغلب به شکل خشم ابراز نشده است. این افراد برای به دست آوردن تأیید دیگران و حفظ روابطشان، احساسات واقعی خود را پنهان نگه می‌دارند (فلت، بسر، هویت، دیویس^۶، ۲۰۰۷). نظریه خودخاموشی در ابتدا به وسیله جک (۱۹۹۱، ۱۹۹۹؛ به نقل از جک و آلی، ۲۰۱۰) برای بررسی نشانه‌های افسردگی در زنان ارائه شد. این نظریه، ادغام جنبه‌های نظریه

-
- 1 - Xiamei
 - 2 - Slesnick
 - 3 - Demet
 - 4 - Self-Criticism
 - 5 - Self-silence
 - 6 - Flett, Besser, Hewitt & Davis

دل بستگی، نظریه‌های ارتباطی و نظریه‌های شناختی برای توضیح و تشریح آسیب‌پذیری به افسردگی است. طبق نظریه دل بستگی، ذهن مانند سیم اتصال است که در طول زندگی، تهدید روابط یا تعلق اجتماعی باعث به راه افتادن شبکه عصبی در آن می‌شود که زنگ خطر هشدار از جدایی اجتماعی به شمار می‌رود. وقتی روابط اجتماعی مورد تهدید واقع شد، سامانه دل بستگی اجتماعی، توجه و منابع مقابله‌ای تازه‌ای برای جلوگیری از خطر محرومیت اجتماعی و یا جدایی را به کار می‌گیرد (جک و آلی، ۲۰۱۰). چنین تهدیداتی، مجموعه‌ای از رفتارهای دل بستگی خاصی را فعال می‌کند که با طرحواره‌های ارتباطی خودخاموشی هدایت می‌شود. طرحواره‌های ارتباطی خودخاموشی، مجموعه تأیید شده اجتماعی از رفتارهای دل بستگی است (جک، ۱۹۹۱) که می‌تواند به صورت ارتباط سازگار توصیف شود. در واقع، اهمیت روابط صمیمانه برای رفاه زنان به شکل‌گیری طرحواره‌های شناختی خاصی در مورد خود در آنان منجر می‌شود که افکار و رفتار آنها را در روابطشان با دیگران هدایت می‌کند. طرحواره‌های شناختی خودخاموشی از طریق سوق دادن زنان به تسلیم شدن در برابر نیازهای دیگران، حذف ابراز وجود، سرکوب خشم و مهار عمل خودگردانی و در نتیجه محدود کردن صمیمیت و استقلال، مشخص می‌شود و می‌تواند باعث آسیب‌پذیری به افسردگی شود. مطالعات بعدی حاکی بود که خودخاموشی، الگوی رفتاری خاص زنان نیست؛ بلکه مردان نیز میزان خودخاموشی برابر با جمعیت زنان (کوئن، بامریچ و کورتیس^۱، ۱۹۹۵؛ جک و دیل، ۱۹۹۲؛ به نقل از آشر و پرز، ۲۰۱۰) و یا حتی بیشتر از زنان (کرامر و توماس^۲، ۲۰۰۳؛ ویفن، فوت و تامپسون^۳، ۲۰۰۷) را گزارش کرده‌اند.

همان‌طور که بلات (۱۹۷۴) تأکید می‌کند، مفهوم دیگری که در تجربه افسردگی نوجوانان نقشی تأثیرگذار دارد، مفهوم خودانتقادی است. مطالعه گرایشهای سختگیرانه، انتقادی و خشونت‌آمیز نسبت به خود، یکی از موضوعاتی است که توجه روانشناسان را به خود جلب کرده است. قدمت این موضوعات، حداقل به بحث فروید از سوپر ایگوئی خشن و تنبیهی برمی‌گردد که در روانشناسی به روشهای گوناگون به آن اشاره شده است و امروزه تحت مفاهیم خود انتقادی و کمال‌گرایی به آن پرداخته می‌شود. خودانتقادی را می‌توان به صورت ارزیابیهای تنبیهی خشن از خود، مفهوم‌سازی کرد که اغلب با احساس گناه، احساس بی‌ارزشی و خودسرزنی متقابل همراه

1 - Cowan, Bammersbuch & curtis

2 - Thoms

3 - Whiffen & Foot

است (دمیت، ۲۰۰۶). خودانتقادی به داشتن انتظارات زیاد از خود و تلاش برای پیشرفت تعریف شده است. خودانتقادی بر پایه میزان درون‌فکنی معیار عمل در پیوستاری قرار می‌گیرد؛ در یک سر این پیوستار، نوعی از خودانتقادی قرار دارد که بر استانداردهای بیرونی متکی است و در انتهای دیگر آن نوعی از خودانتقادی که مستلزم استانداردهای درونی است. خودانتقادی مقایسه‌ای^۱ به صورت دید منفی نسبت به خود به سبب مقایسه خود با دیگران تعریف شده است. در این سطح، تمرکز بر مقایسه نامناسب خود با دیگرانی است که برتر، متخاصم و منتقد به نظر می‌رسند و در نهایت به نارضایتی و ناراحتی از رویارویی و ارزیابی شدن توسط دیگران منجر می‌شود. خودانتقادی درونی شده^۲ به صورت دید منفی نسبت به خود به سبب مقایسه خود با استانداردهای شخصی و درونی تعریف شده است. از آنجا که این استانداردها بسیار قوی است، تحقق آنها غیر ممکن است؛ ولی این عدم تحقق از دید فرد خودانتقادگر، ضعف و نقص به شمار می‌آید. مجازاتی که فرد به سبب نرسیدن به این استانداردها برای خود در نظر می‌گیرد، بسیار نامعقول است. خودتنبیهی^۳ عمومی به سبب شکست، ویژگی اساسی خودنقدی درونی شده است. در این افراد شکست باعث توجه سازگارانه در مورد این نمی‌شود که چگونه می‌توان در آینده موفق شد. از آنجا که این افراد کمبودهایشان را در برخی زمینه‌های خاص نمی‌پذیرند، شکست در آنها احساس بی‌ارزشی مطلق به وجود می‌آورد (موسوی، قربانی و طباطبایی، ۱۳۹۲). خودنقدی اغلب در واکنش به شکست در برابر انتظارات و استانداردهای غیر واقعی ظاهر می‌شود (ویجلیئون^۴، کلمی^۵ و کامنزولی^۶، ۱۹۹۰). خودنقدی با کمال‌گرایی، تعیین اهداف و معیارهای بزرگ و غیر واقعی، تلاش زیاد برای رقابت و برتری، نیاز قابل توجه به تأیید توسط دیگران و آسیب‌پذیری نسبت به احساس شکست و احساس گناه مشخص می‌شود.

از دیدگاهی دیگر، فرایندهای مربوط به خود نظیر خود اتکایی، خودنظارتی، خودخاموشی و خودنقدی در نتیجه دو مسیر موازی شکل می‌گیرد: مسیر اول به فرایندهای ارتباطی بویژه تجربه دوران کودکی در خانواده و مسیر دوم به ویژگیهای فردی و شخصیتی فرد مرتبط است. در راستای مسیر اول، خانواده اولین نهادی است که در کانون توجه قرار می‌گیرد. خانواده از بسیاری

1 - Comparative Self-Criticism: CSC
 2 - Internalized Self-Criticism: ISC
 3 - Self-Punitiveness
 4 - Vigilance
 5 - Clemmey
 6 - Camenzuli

جهت برای ارتباطات انسانی بافتی منحصر به فرد است (فیتز پاتریک^۱، ۲۰۰۴). به گونه‌ای که وجود مشکلات در روابط با والدین، عامل کاهش رضایت از زندگی نوجوانان شناخته شده است (بیارناسون^۲ و دیگران، ۲۰۱۲) و روابط اجتماعی نوجوانان تحت تأثیر ویژگیهای والدین قرار می‌گیرد (کافل و ثاکالی^۳، ۲۰۱۳). در میان عوامل خانوادگی، سبک فرزندپروری والدین یکی از سازه‌های جهانی شناخته شده است (دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳) که بیانگر روابط عاطفی و چگونگی ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عامل مهم رشد و یادگیری کودکان به شمار می‌آید (بامریند، ۱۹۹۱؛ ایکسای^۴، ۱۹۹۶). دارلینگ و استینبرگ^۵ (۱۹۹۳) سبکهای فرزندپروری را از مجموعه‌ای از نگرشها نسبت به کودک معرفی کرده‌اند که به موجب آن والدین با کودک خود ارتباط برقرار می‌کنند و با همدیگر، فضای عاطفی را تشکیل می‌دهند که در آن رفتارهای والدین کاملاً تعریف شده است. با توجه به این دیدگاه، استینبرگ، لمبورن، درونبوش و دارلینگ (۱۹۹۲) سه بعد از فرزندپروری شامل گرمی و پذیرش، اعطای استقلال و نظارت و سختگیری را مطرح کردند. سبک گرمی و پذیرش، مبتنی بر ادراک فرد و پاسخ‌دهی والدین است. این والدین، گرم، مقتدر، درگیر و حساس نسبت به نیازهای در حال تحول فرزندان خود هستند و در عین حال مجموعه‌ای از استانداردهای واقعی و قوانین روشن را برای آنان وضع می‌کنند. سبک اعطای استقلال به تحمل والدین در برابر نظر فرزندان خود اشاره دارد. در این سبک، نظم و انضباطی دموکراتیک بین والدین و فرزندان برقرار است که به موجب آن والدین فرزندان خود را به پذیرفتن این قوانین وادار نمی‌کنند. در سبک نظارت و سختگیری، شیوه والدین، کنترل و ارزیابی رفتار و نگرشهای فرزندان در رویارویی با مجموعه‌ای از استانداردهای رفتاری، و معمولاً این استانداردها مطلق است (بامریند^۶، ۱۹۹۶) به نقل از ذاکری، ۲۰۱۰) و فرزندان اجازه ندارند به بیان نظر خود بپردازند و فرصت کمی برای تفکر در مورد موقعیت‌ها و یا به کارگیری استدلالها در اختیار دارند (ذاکری و همکاران، ۲۰۱۰). بر همین اساس با توجه به این نکته، که خانواده نظامی قانونگذار تعریف می‌شود که اعضای آن به گونه‌ای مستمر در حال تعریف دوباره ماهیت روابط

-
- 1 - Fitzpatrick
 - 2 - Bjarnason
 - 3 - Kafle & Thakali
 - 4 - Xie
 - 5 - Darling & Stienberg
 - 6 - Baumriand

خود^۱ بر مبنای سبکهای فرزندپروری هستند (واتزلوویک، بیوین و جکسون، ۱۹۶۷؛ به نقل از کلارک و شیلدز^۲، ۱۹۹۷)، می‌توان نتیجه گرفت که این سبکها می‌تواند عاملی مؤثر در شکل‌گیری خودانتقادی و خودخاموشی باشد.

همان‌گونه که اشاره شد، علاوه بر نقش بی‌بدیل عوامل خانوادگی، عوامل شخصیتی نیز در چگونگی شکل‌گیری فرایندهای مرتبط با خود مانند خودخاموشی و خودنقدی نقشی مهم ایفا می‌کند. ویژگیهای شخصیتی را می‌توان به صورت ابعاد تفاوت‌های فردی در قالب الگوهای پایدار تفکر، احساس و رفتار تعریف کرد (جوانوویک^۳ و همکاران، ۲۰۱۱). تحول نظریه‌های شخصیت و پیشرفت در روشهای اندازه‌گیری و تحلیل‌های آماری به پیدایش یکی از نافذترین نظریه‌های شخصیتی معاصر منجر شد که با اصطلاح الگوی پنج عامل بزرگ شخصیت^۴ (FFM) معروف شده است (دیگمن، ۱۹۹۰، به نقل از خرمايي، ۱۳۸۵). طبق این دیدگاه، شخصیت افراد را می‌توان بر اساس پنج عامل قوی شامل روان‌نژندی، برونگرایی، گشودگی، توافق‌پذیری و وظیفه‌مداری توضیح داد؛ با وجود این بتازگی روانشناسان ابعاد دیگری از شخصیت را فراتر از الگوی پنج عاملی به دست آوردند. آشتون و لی (۲۰۰۱)، شش بعد دیگر را به دست آوردند که با الگوی پنج عاملی متفاوت بود و الگوی هگزاکو^۵ (برگرفته از حرف اول شش بعد) لقب گرفت. ابعاد ششگانه این الگو شامل صداقت - فروتنی^۶ (H)، هیجان‌پذیری^۷ (E)، برونگرایی^۸ (X)، سازگاری^۹ (A)، وظیفه‌شناسی^{۱۰} (C) و گشودگی به تجربه^{۱۱} (O) است. صداقت - فروتنی، عاملی است که با صداقت، بیطرفی، خلوص، فروتنی و نبودن حرص و طمع در ساختار شخصیت مرتبط است (آشتون و همکاران، ۲۰۰۴). هیجان‌پذیری، با ویژگیهایی نظیر اضطراب، واکنش عاطفی در مقابل خاطر جمع‌ی (اعتماد به نفس) و شجاعت تعریف شده است. برونگرایی، این عامل با ویژگیهایی مانند حراف بودن، معاشرتی، بشاش بودن در مقابل خجول، منفعل، کم‌تحرك بودن

- 1 - Relationships
- 2 - Watzlawick, Beavin, Jackson, Clark & Shields
- 3 - Jovanovic
- 4 - Five factor model
- 5 - HEXACO
- 6 - Honesty-Humility
- 7 - Emotionality
- 8 - Extraversion
- 9 - Agreeableness
- 10 - Conscientiousness
- 11 - Openness to experience

تعریف شده است. سازگاری با ویژگیهای شوخ طبعی، تحمل پذیری و دلپذیری در مقابل تندمزاجی، تحریک پذیری و مداخله گری و انتقادگری تعریف شده است. وظیفه شناسی، ویژگیهایی مانند سازماندهی، کار سخت، دقت و تمامیت را دربر می گیرد. گشودگی به تجربه با چهار مقیاس درک زیبایی شناختی، کنجکاوی، خلاقیت و غیر سنتی بودن مشخص می شود (آشتون و لی، ۲۰۰۴). با توجه به اینکه نقش ویژگیهای شخصیتی بر رفتار و شناخت، گاه مستقیم و بی واسطه است و گاه با اثرگذاری بر عوامل واسطه ای موجب بروز پیامدهای رفتاری و شناختی می شود، ویژگیهای شخصیتی می تواند در خود خاموشی و خود انتقادی نقش داشته باشد. بر اساس آنچه گفته شد، این پژوهش تلاشی به منظور بررسی پیشایندهای خانوادگی و شخصیتی خودخاموشی و خودانتقادی در دوره نوجوانی است. بررسی این سؤال، که کدام یک از ابعاد فرزندپروری و ویژگیهای شخصیتی نقشی با اهمیت تر در افزایش خودخاموشی و خود انتقادی نوجوانان دارد از اهداف دیگر پژوهش است.

روش پژوهش

پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی است. در این پژوهش متغیرهای ابعاد فرزندپروری و ویژگیهای شخصیتی به عنوان متغیر مستقل (ملاک) و متغیرهای خودخاموشی و خود انتقادی، متغیر وابسته (پیش بین) است. جامعه آماری این پژوهش تمام دانش آموزان مقاطع سوم راهنمایی و اول دبیرستان شهرستان دیر در سال ۹۳-۹۲ بودند.

جامعه آماری پژوهش تمام نوجوانانی بودند که در مقطع سوم راهنمایی و اول دبیرستان در سال ۹۳-۹۲ در شهرستان دیر مشغول به تحصیل بودند. از این جامعه پنج مدرسه دخترانه و چهار مدرسه پسرانه به روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی تک مرحله ای به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد و در هر مدرسه تمام دانش آموزان کلاسهای سوم راهنمایی و اول دبیرستان مورد بررسی قرار گرفتند؛ بدین ترتیب مشارکت کنندگان پژوهش ۵۰۱ دانش آموز (۲۵۰ دختر، ۲۵۱ پسر) دارای میانگین سنی ۱۴/۵۷ و انحراف استاندارد ۰/۷۶ بودند. هم چنین دانش آموزان دختر با میانگین سنی ۱۴/۵۲ و انحراف استاندارد ۰/۸۷ و دانش آموزان پسر با میانگین سنی ۱۴/۶۳ و انحراف استاندارد ۰/۶۳ بودند. به منظور جمع آوری اطلاعات، پس از انتخاب گروه شرکت کنندگان و تهیه پرسشنامه ها، پژوهشگر با هماهنگی لازم در کلاسهای منتخب حضور یافت. هر کلاس به صورت گروهی

مورد آزمون قرار گرفت؛ بدین صورت که ابتدا به منظور یکسان‌سازی شیوه اجرا، توضیحاتی درباره پاسخدهی به پرسشنامه‌ها و لزوم صداقت با تأکید بر اینکه در هیچ یک از گویه‌های پرسشنامه پاسخ صحیح و غلط وجود ندارد، ارائه شد. هم‌چنین به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش بر محرمانه بودن اطلاعات و عدم اجبار در تکمیل پرسشنامه‌ها تأکید شد. سپس آزمودنیها پرسشنامه فرزندپروری، پرسشنامه شش عاملی شخصیت، پرسشنامه تجربه افسرده‌ساز و مقیاس خودخاموشی را تکمیل کردند. مدت پاسخدهی هر چهار پرسشنامه به طور تقریبی ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بود.

به منظور بررسی نقش خانواده از پرسشنامه فرزندپروری^۱ استفاده شد. این ابزار مقیاس ۲۶ گویه‌ای لیکرتی (۴ درجه‌ای) است که به وسیله استرنبرگ، لامبرن، درونبوش و دارلینگ (۱۹۹۲) ساخته شده است. این مقیاس سه زیر مقیاس با سه بعد از عملکرد خانواده را پوشش می‌دهد: گرمی و پذیرش (شامل ۹ گویه)، اعطای استقلال (شامل ۹ گویه) و نظارت و سختگیری (شامل ۸ گویه). این خرده مقیاس شامل ۴ سؤال اصلی است که سؤالهای ۳ و ۴ هر یک شامل ۵ گویه است؛ به این ترتیب که دو گویه درباره فعالیت‌های روز و دو گویه درباره فعالیت‌های شب و یک گویه در زمینه اوقات فراغت طراحی شده است. در این پرسشنامه، که به وسیله فرزندان تکمیل می‌شود، نوجوانان ادراک خود را از میزان گرمی، اعطای استقلال و نظارت والدین مشخص می‌کنند. استرنبرگ و دیگران (۱۹۹۲) روایی و پایایی این پرسشنامه را بررسی، و آن را قابل قبول گزارش کرده‌اند. هم‌چنین سالین و دیگران (۲۰۰۴) روایی و پایایی آن را در پژوهش خود مورد تأیید قرار داده‌اند. حداقل نمره اکتسابی در این مقیاس، ۲۶ و حداکثر نمره ۱۰۴، است. حسینی و خیر (۱۳۹۰) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش همسانی درونی بررسی کردند. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس گرمی و پذیرش، نظارت و سختگیری و استقلال به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۷ و ۰/۶۰ محاسبه شده است که نشان‌دهنده پایایی مناسب پرسشنامه است. آنها به منظور بررسی روایی پرسشنامه فرزندپروری در پژوهش خود از روش همبستگی هر گویه با نمره کل عامل، همبستگی عوامل با یکدیگر و با نمره کل استفاده کردند. نتایج، گویای این است که ضرایب همبستگی گویه‌های عامل گرمی با نمره کل عامل بین ۰/۴۷ تا ۰/۶۶، همبستگی گویه‌های عامل استقلال با نمره کل عامل بین ۰/۴۲ تا ۰/۵۷ و همبستگی گویه‌های عامل نظارت با نمره کل بین ۰/۶۵ تا ۰/۷۱

1 - Parenting questionnaire

محاسبه شده است. همبستگی عوامل با یکدیگر بین ۰/۲۲ تا ۰/۲۶ و همبستگی عوامل با نمره کل مقیاس بین ۰/۴۸ تا ۰/۷۹ محاسبه شده است که همه ضرایب در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بود. هم‌چنین روایی سازه این پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی به روش عوامل اصلی با چرخش مایل نیز مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. مقدار ضریب KMO (شاخص کفایت نمونه‌گیری) و آزمون کرویت بارتلت (شاخص کفایت ماتریس همبستگی) به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۲۴۸۰ محاسبه شده که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بوده است (حسینی و خیر، ۱۳۹۰). در پژوهش، روایی سازه این پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی به روش عوامل اصلی با چرخش مایل بررسی شد. ضریب KMO و آزمون کرویت بارتلت، ۰/۸۱ و ۰/۳۵۲۲ محاسبه شده است که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار، و تأییدکننده روایی این ابزار بود. پایایی نیز در این پژوهش از طریق بررسی ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد. میزان این ضریب برای خرده مقیاسها در دامنه ۰/۷۸ تا ۰/۶۲ قرار دارد که تأیید کننده پایایی این پرسشنامه است.

پرسشنامه شش عاملی شخصیت این پرسشنامه، ۲۴ مقیاس صفات دارد و شش عامل شخصیتی صداقت - فروتنی، هیجان‌پذیری، برونگرایی، سازگاری، وظیفه‌شناسی و گشودگی به تجربه را در بر می‌گیرد. هر عامل چهار مقیاس، و هر مقیاس ۸ سؤال دارد و مجموعاً ۱۹۲ سؤال را در بر می‌گیرد. این پرسشنامه توسط اشتون و لی (۲۰۰۰) تهیه شده و پایایی و اعتبار آن در مطالعات مختلف مورد تأیید قرار گرفته است (اشتون، لی، پروچینی و همکاران، ۲۰۰۴). گویه‌ها دارای طیف پنج درجه‌ای لیکرتی است. تعدادی از سؤالات به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. لی و اشتون (۲۰۰۴) پایایی مقیاسهای این پرسشنامه را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که پایایی عاملها در محدوده‌ای از ۰/۸۹ (وظیفه‌شناسی) تا ۰/۹۲ (صداقت - فروتنی) و از ۰/۷۵ (زیر مقیاس خلاقیت) تا ۰/۸۸ (زیر مقیاس بخشش) در سطح مقیاسها قرار داشت. در ایران، پالاهنگ، نشاط‌دوست و مولوی (۱۳۸۸)، ساختار شش عاملی این پرسشنامه را در نسخه ۱۹۲ گویه‌ای آن تأیید کردند. پایایی این پرسشنامه در ایران با ضریب همسانی مورد بررسی قرار گرفته و آلفای کرونباخ نسخه فارسی عاملهای این پرسشنامه از ۰/۸۵ تا ۰/۹۳ گزارش شده است، هم‌چنین روایی سازه آن با استفاده از همبستگی با پرسشنامه پنج عاملی نئو بررسی شد که میزان ضریب همبستگی برای خرده مقیاسها از ۰/۴۲ تا ۰/۷۹ گزارش شده که همگی ضرایب معنادار، و نشاندهنده روایی این پرسشنامه است (پالاهنگ و همکاران، ۱۳۸۸). روایی سازه این پرسشنامه در پژوهش، از طریق تحلیل عاملی به روش عوامل اصلی با چرخش عمودی بررسی شد. ضریب

KMO و آزمون کرویت بارتلت به ترتیب ۰/۶۵ و ۰/۴۱۰۳ محاسبه شده است که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار، و تأییدکننده روایی این ابزار بود. پایایی نیز در این پژوهش از طریق بررسی ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد. میزان این ضریب برای خرده مقیاسها در دامنه ۰/۸۵ تا ۰/۷۳ قرار دارد که تأیید کننده پایایی این پرسشنامه است.

مقیاس خودخاموشی به وسیله جک و دیل^۱ (۱۹۹۲) ساخته شده است. این مقیاس دارای ۳۱ سؤال، و شواهد روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته است (جک و دیل، ۱۹۹۲). این پرسشنامه چهار حوزه خودخاموشی، ادراک خویشتن به صورت ظاهری، نگرانی از فداکاری و خود تقسیم شده^۲ را در بر می گیرد. در ایران برای نخستین بار در پژوهش سلیمی و جوکار (۱۳۸۷) از آن استفاده شده و پایایی و روایی آن مورد سنجش قرار گرفته است. پایایی کل مقیاس در نمونه‌های گوناگون از ۰/۸۸ تا ۰/۹۳ است. روایی عاملی این مقیاس مورد تأیید قرار گرفته، و پایایی در حد قابل قبول ۰/۸۷ گزارش شده است (ذبیحی دان، ۱۳۸۹). این ابزار میزان موافقت یا عدم موافقت پاسخ دهنده را در دامنه ۵ درجه‌ای مورد سؤال قرار می دهد. نمره ۵ معادل کاملاً موافقم و نمره ۱ معادل کاملاً مخالفم است. سؤالات ۱، ۸، ۱۱، ۱۵ و ۲۱ به طور معکوس و سایر گویه‌ها به طور مستقیم نمره گذاری می شود. در پژوهش ذبیحی دان (۱۳۸۹) به منظور تعیین روایی از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. نتایج تحلیل عاملی به روش عوامل اصلی با چرخش واریماکس، وجود یک عامل در گویه‌ها را تأیید کرد. ملاک استخراج عوامل، شیب نمودار اسکری و ارزش ویژه بیش از یک بود. سؤالات ۸، ۱۵ و ۲۱ به دلیل بار عاملی کم از مجموع سؤالات حذف شد. مقدار ضریب KMO برابر ۰/۸۶ و ضریب آزمون کرویت بارتلت برابر با ۰/۴۰۳/۲۹۱ (p < ۰/۰۰۱) بود که نشان از کفایت نمونه گیری و ماتریس همبستگی گویه‌ها داشت. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب ۰/۸۷ به دست آمد (ذبیحی دان، ۱۳۸۹). در پژوهش، روایی سازه این پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی به روش عوامل اصلی با چرخش مایل بررسی شد. ضریب KMO و آزمون کرویت بارتلت، ۰/۷۱ و ۰/۱۳۹۴ محاسبه شده است که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار، و تأییدکننده روایی این ابزار بود. میزان ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۷ محاسبه شد که تأیید کننده پایایی این پرسشنامه است.

در این پژوهش برای سنجش خودنقدی از زیر مقیاس خود انتقادی در پرسشنامه تجربه خود

1 - Jack and Dill

2 - Divided Self

افسرده‌ساز بلات^۱ و همکاران (۱۹۷۹) استفاده شد. این پرسشنامه توسط بلات، دی افلیتی و کوئینلان در سال ۱۹۷۹ ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۶۶ گویه است که ۱۷ گویه آن بعد خودانتقادی را مورد سنجش قرار می‌دهد. ابعاد دیگر این پرسشنامه شامل وابستگی و کارآمدی است. آزمودنیها درجه اهمیت هر گویه را روی مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌کنند. سؤالات ۵، ۸، ۱۲، ۲۱، ۳۸، ۴۲، ۴۸، ۵۷، ۶۱، ۶۲، ۶۵ به طور معکوس و سایر گویه‌ها به طور مستقیم نمره‌گذاری می‌شود. پایایی و روایی این زیرمقیاس در پژوهشهای متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد وابستگی، خودنقدی و کارآمدی به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۳ و ۰/۹۱ گزارش شده است (بلات و دیگران، ۱۹۷۹). منگراین و اگرانجا^۲ (۱۹۹۴) ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند که حاکی از ثبات درونی مقیاس است. آنها ضریب بازآزمایی را به فاصله ۱۲ ماه نیز ۰/۷۹ به دست آوردند. در پژوهشی که توسط سلیمی و جوکار (۱۳۸۷) صورت گرفت، پایایی و روایی این مقیاس برای اولین بار در ایران اندازه‌گیری شد. برای بررسی روایی از روش تحلیل عوامل استفاده گردید و مقدار ضریب KMO برابر با ۰/۸۰ و ضریب کرویت بارتلت برابر با ۴۲۶۷/۲۶ ($p < ۰/۰۰۱$) بود که هر دو شاخص، کفایت شواهد برای تحلیل عامل را نشان می‌دهد. برای تعیین پایایی پرسشنامه نیز از ضریب پایایی آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب پایایی برای خودنقدی، وابستگی و کارآمدی به ترتیب برابر ۰/۷۹، ۰/۷۶ و ۰/۷۴ گزارش شده است (ذبیحی دان، ۱۳۸۶). شایان توجه است که در پژوهش، تنها از زیر مقیاس خودانتقادی استفاده شد. برای بررسی روایی سازه این پرسشنامه در پژوهش از روش تحلیل عاملی استفاده شد. ضریب KMO و آزمون کرویت بارتلت، ۰/۷۷ و ۰/۱۰۷۳ محاسبه شده است که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار، و تأییدکننده روایی این ابزار بود. میزان آلفای کرونباخ نیز ۰/۷۷ برای خود نقدی محاسبه شد که تأییدکننده پایایی این پرسشنامه است.

یافته‌ها

به منظور بررسی نقش ویژگیهای شخصیتی در خودخاموشی نوجوانان از تحلیل آماری رگرسیون چند متغیره به شیوه همزمان استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج تحلیل رگرسیون ویژگیهای شخصیتی بر خودخاموشی

متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	β	t	سطح معناداری
صداقت - فروتنی	۰/۳۰	۰/۰۹	۰/۰۰۱	۰/۰۱	N.S.
هیجان‌پذیری			۰/۱۷	۳/۸۷	۰/۰۰۰۱
سازگاری			۰/۱۸	۹/۰۵	۰/۰۰۰۱
وظیفه‌شناسی			۰/۰۹	۱/۹۹	۰/۰۴
برونگرایی			-۰/۰۵	-۱/۲۲	N.S.
گشودگی به تجربه			۰/۰۸	۱/۸۳	N.S.

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، نتایج حاکی است که از بین ویژگیهای شخصیتی، متغیرهای سازگاری ($\beta=0/18, P<0/0001$)، هیجان‌پذیری ($\beta=0/17, P<0/0001$) و وظیفه‌شناسی ($\beta=0/09, P<0/04$) پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت و معناداری برای خودخاموشی است. به منظور بررسی نقش ابعاد فرزندپروری بر خودخاموشی نیز از تحلیل آماری رگرسیون چند متغیره به شیوه همزمان استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون ابعاد فرزندپروری بر خودخاموشی

متغیر پیش‌بین	R	R ²	B	β	t	سطح معناداری
گرمی و پذیرش	۰/۲۷	۰/۰۷	۰/۴۴	۰/۱۵	۳/۳۹	۰/۰۰۱
اعطای استقلال			۰/۳۳	۰/۱۴	۲/۹۷	۰/۰۰۳
نظارت و سخت‌گیری			۰/۱۶	۰/۰۷	۱/۶۲	N.S.

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، نتایج تحلیل رگرسیون گویای این است که از بین ابعاد فرزندپروری، متغیرهای گرمی و پذیرش ($\beta=0/15, P<0/001$) و اعطای استقلال ($\beta=0/14, P<0/003$) از توان پیش‌بینی‌کنندگی مثبت و معناداری برای خودخاموشی برخوردار است.

برای بررسی نقش ویژگیهای شخصیتی بر خودنقدی نیز از روش آماری تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون ویژگیهای شخصیتی بر خودنقدی

متغیرهای پیش‌بین	R	R2	B	β	t	سطح معناداری
صداقت - فروتنی	۰/۵۱	۰/۲۶	۰/۲۹	۰/۱۷	۴/۲۴	۰/۰۰۱
هیجان‌پذیری			-۰/۱۲	-۰/۰۸	-۲/۱۴	۰/۰۳
سازگاری			-۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۲۴	N.S.
وظیفه‌شناسی			۰/۲۸	۰/۱۳	۳/۰۵	۰/۰۰۲
برونگرایی			۰/۷۸	۰/۴۲	۱۰/۱۵	۰/۰۰۱
گشودگی به تجربه			-۰/۲۱	-۰/۱۰	-۲/۵۲	۰/۰۱

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره حاکی است که از بین ویژگیهای شخصیتی، متغیرهای برونگرایی ($\beta = ۰/۴۲$ ، $P < ۰/۰۰۱$)، صداقت - فروتنی ($\beta = ۰/۱۷$ ، $P < ۰/۰۰۱$) و وظیفه‌شناسی ($\beta = ۰/۱۳$ ، $P < ۰/۰۰۱$) از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مثبت و معناداری برای خودنقدی برخوردار است. متغیرهای گشودگی به تجربه ($P < ۰/۰۱$)، $\beta = -۰/۱۰$) و هیجان‌پذیری ($\beta = -۰/۰۸$ ، $P < ۰/۰۳$) قدرت منفی و معناداری برای خودنقدی دارد.

هم‌چنین به منظور بررسی نقش ابعاد فرزندپروری بر خودنقدی از روش آماری تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون ابعاد فرزندپروری بر خودنقدی

متغیرهای پیش‌بین	R	R2	B	β	t	سطح معناداری
گرمی و پذیرش	۰/۱۷	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۳۴	N.S.
اعطای استقلال			۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۷۶	N.S.
نظارت و سختگیری			۰/۳۰	۰/۱۵	۳/۴۱	۰/۰۰۱

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان‌دهنده این است که از بین ابعاد فرزندپروری، متغیر نظارت و سختگیری تنها متغیری است که به صورت مثبت و معناداری ($\beta = ۰/۱۵$ ، $P < ۰/۰۰۱$) از توان پیش‌بینی متغیر خودنقدی برخوردار است. برای بررسی این سؤال پژوهشی، که کدام یک از ابعاد فرزندپروری و ویژگیهای شخصیتی بهتر می‌تواند خود خاموشی نوجوانان را پیش‌بینی کنند از تحلیل رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۵ ارائه شده است

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون ویژگیهای شخصیتی و ابعاد فرزندپروری بر خودنقدی

سطح معناداری	R2	R	t	β	B		
۰/۰۰۰۱	۰/۱۹	۰/۴۴	۱۰/۹۴	۰/۴۴	۰/۸۱	برونگرایی	گام اول
۰/۰۰۰۱	۰/۲۲	۰/۴۷	۱۰/۷۹	۰/۴۲	۰/۷۸	برونگرایی	گام دوم
۰/۰۰۰۱			۴/۸۱	۰/۱۹	۰/۳۲	صداقت - فروتنی	
۰/۰۰۰۱	۰/۲۴	۰/۴۹	۹/۷۴	۰/۳۹	۰/۷۳	برونگرایی	گام سوم
۰/۰۰۰۱			۴/۱۰	۰/۱۶	۰/۲۸	صداقت - فروتنی	
۰/۰۰۰۹			۲/۶۳	۰/۱۱	۰/۲۴	وظیفه شناسی	

همان گونه که در جدول ۵ مشاهده می شود در گام نخست، متغیر برونگرایی ($P < ۰/۰۰۰۱$)، از توان پیش بینی کنندگی معناداری برخوردار است و ۱۹ درصد از واریانس مربوط به خودنقدی با متغیر برونگرایی تعیین می شود. در گام دوم، برونگرایی ($\beta = ۰/۴۲$ ، $P < ۰/۰۰۰۱$) و متغیر صداقت - فروتنی ($\beta = ۰/۱۹$ ، $P < ۰/۰۰۰۱$) از توان پیش بینی کنندگی معناداری برخوردار است و ۲۲ درصد از واریانس خودنقدی با متغیرهای برونگرایی و صداقت - فروتنی تعیین می شود. در گام سوم علاوه بر برونگرایی ($\beta = ۰/۳۹$ ، $P < ۰/۰۰۰۱$) و صداقت - فروتنی ($P < ۰/۰۰۰۱$)، $\beta = ۰/۱۶$)، وظیفه شناسی ($P < ۰/۰۰۰۹$) نیز از توان پیش بینی کنندگی معناداری برخوردار است و ۲۴ درصد از واریانس مربوط به خودنقدی با متغیرهای برونگرایی، صداقت - فروتنی و وظیفه شناسی تعیین می شود؛ به این معنا که از مجموع متغیرهای ویژگیهای شخصیتی و ابعاد فرزندپروری در این پژوهش در مرحله اول، متغیر برونگرایی، که یکی از ویژگیهای شخصیتی است از بیشترین توان پیش بینی کنندگی برای خودنقدی برخوردار است. در مرحله دوم، متغیر صداقت - فروتنی، که یکی دیگر از ویژگیهای شخصیتی به شمار می رود از توان پیش بینی معناداری برخوردار است و در مرحله سوم، متغیر وظیفه شناسی از توان پیش بینی معناداری برخوردار است.

هم چنین برای بررسی این سؤال پژوهشی، که کدام یک از ابعاد فرزندپروری و ویژگیهای شخصیتی بهتر می تواند خود انتقادی نوجوانان را پیش بینی کند از تحلیل رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۶ قابل مشاهده است.

جدول ۶: نتایج تحلیل رگرسیون ویژگیهای شخصیتی و ابعاد فرزندپروری بر خودخاموشی

سطح معناداری	R2	R	t	β	B		
۰/۰۰۰۱	۰/۰۵	۰/۲۲	۵/۱۵	۰/۲۲	۰/۶۳	گرمی و پذیرش	گام اول
۰/۰۰۰۱	۰/۰۷	۰/۲۸	۴/۹۶	۰/۲۱	۰/۶۰	گرمی و پذیرش	گام دوم
۰/۰۰۰۱			۳/۹۲	۰/۱۶	۰/۳۰	هیجان‌پذیری	
۰/۰۰۰۱	۰/۱۰	۰/۳۲	۴/۳۷	۰/۱۸	۰/۵۲	گرمی و پذیرش	گام سوم
۰/۰۰۰۱			۴/۱۱	۰/۱۷	۰/۳۱	هیجان‌پذیری	
۰/۰۰۰۱			۳/۹۸	۰/۱۷	۰/۳۶	سازگاری	

همان‌گونه که در جدول ۶ قابل مشاهده است در گام نخست، متغیر گرمی و پذیرش ($\beta = 0.22, P < 0.0001$) از توان پیش‌بینی‌کنندگی معناداری برخوردار است. در گام دوم، متغیر گرمی و پذیرش ($\beta = 0.21, P < 0.0001$) و متغیر هیجان‌پذیری ($\beta = 0.16, P < 0.0001$)، توان پیش‌بینی‌کنندگی معناداری دارد. در گام سوم علاوه بر متغیرهای گرمی و پذیرش ($P < 0.0001$)، $\beta = 0.18, P < 0.0001$) و هیجان‌پذیری ($\beta = 0.17, P < 0.0001$)، متغیر سازگاری ($\beta = 0.17, P < 0.0001$) نیز از توان پیش‌بینی‌کنندگی معناداری برخوردار است؛ به این معنا که از مجموع متغیرهای ویژگیهای شخصیتی و ابعاد فرزندپروری در این پژوهش در مرحله اول، متغیر گرمی و پذیرش، که یکی از ابعاد فرزندپروری به شمار می‌رود از بیشترین توان پیش‌بینی‌کنندگی برای خودخاموشی برخوردار است. در مرحله دوم، متغیر هیجان‌پذیری، که یکی از ویژگیهای شخصیتی است از توان پیش‌بینی معناداری برخوردار است و در مرحله سوم، متغیر سازگاری، که یکی از ویژگیهای شخصیتی است، توان پیش‌بینی معناداری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی نقش ویژگیهای شخصیتی و ابعاد فرزندپروری در خودخاموشی و خودنقدی نوجوانان بود. یافته‌ها حکایت دارد که هر دو متغیر ویژگیهای شخصیتی و ابعاد فرزندپروری می‌تواند خودخاموشی و خودنقدی نوجوانان را پیش‌بینی کند.

نتایج تحلیلهای مرتبط با نقش ویژگیهای شخصیتی در خودخاموشی نوجوانان نشان داد که ویژگیهای شخصیتی سازگاری، هیجان‌پذیری و وظیفه‌شناسی می‌تواند خودخاموشی نوجوانان را به صورت مثبتی پیش‌بینی کند. باید توجه کرد که رفتار خودخاموشی، چهار جنبه زیربنایی و

متمایزکننده دارد: الف) خود ادراکی بیرونی: منعکس‌کننده تمایل به قضاوت در مورد خود با استانداردهای خارجی. ب) توجه به عنوان از خودگذشتگی: میل به در اولویت قرار دادن نیازهای دیگران قبل از نیازهای خود. ج) خاموشی خود: مهار افکار، احساسات و رفتار به منظور جلوگیری از به هم خوردن و یا از دست دادن روابط. د) خود تقسیم شده: تمایل به رفتار به شیوه‌ای سازگارانه با وجود احساس خشم و رنجش درونی (جک و آلی، ۲۰۱۰). در تبیین نقش مثبت سازگاری در پیش‌بینی خودخاموشی باید گفت که عامل سازگاری در آزمون همگراکو دارای زیر مقیاسهایی مانند بخشش، ملایمت، انعطاف‌پذیری و صبر است (آشتون و لی، ۲۰۰۴). با توجه به اینکه یکی از جنبه‌های رفتار خودخاموشی، همان‌گونه که جک و آلی (۲۰۱۰) به آن تأکید می‌کنند، توجه به عنوان از خودگذشتگی یا تمایل به ترجیح دادن و اولویت دادن به نیازهای دیگران قبل از نیازهای خود است، افراد سازگار نیز به دلیل انعطاف‌پذیری، ملایمت و صبر خود، مانند افراد خودخاموش این توانایی را دارند که خود را با موقعیت محیطی هماهنگ، و هدفهای خود را با توجه به چارچوبهای اجتماعی - فرهنگی دنبال کنند؛ اما همان‌طور که از قبل گفته شد، این انطباق ظاهری است. این افراد در درون خود برای ایجاد خود سازگار چنین رفتاری را از خود بروز می‌دهند. در واقع این کنترل احساسات و عواطف برای جلوگیری از به هم خوردن روابط با دیگران صورت می‌گیرد. باید توجه کرد که در فرهنگ ما خود خاموشی لزوماً بد و اشتباه نیست و حتی مورد حمایت خانواده و فرهنگ قرار می‌گیرد (ذبیحی‌دان، ۱۳۸۹). در فرهنگ ایرانی حفظ حریم خصوصی اهمیت زیادی دارد. این مسئله برای نوجوانان، که تأیید و مقبول شدن در گروه همسالان برایشان اهمیت زیادی دارد، نمایانتر می‌شود. در زمینه نقش مثبت هیجان‌پذیری در افزایش خودخاموشی باید گفت، هیجان‌پذیری دارای چهار رویه ترسو بودن، اضطراب، وابستگی و احساساتی بودن است (آشتون و لی، ۲۰۰۴). دارندگان نمره‌های بیشتر در این بعد، ترس زیادی از آسیب دارند؛ ترسو و خجالتی هستند؛ احساس تنش زیادی در مقابل با مشکلات دارند و در واکنش به دغدغه دیگران احساس منفی بیشتری را تجربه می‌کنند (بشیری و همکاران، ۱۳۸۹)؛ لذا افراد هیجان‌پذیر به دلیل ترسها و نگرانیهای خود به خاموشی خود یعنی مهار افکار، احساسات و رفتار به منظور جلوگیری از به هم خوردن و یا از دست دادن روابط (جک و آلی، ۲۰۱۰) روی می‌آورند. بر همین اساس می‌توان نقش مثبت هیجان‌پذیری را در خود خاموشی تبیین کرد. نتایج این تحلیل هم چنین نقش مثبت و وظیفه‌شناسی را در پیش‌بینی خودخاموشی نشان می‌دهد. این بعد از ویژگیهایی مانند سازماندهی، کار سخت، دقت و تمامیت تشکیل شده است. زیر مقیاسهای

وظیفه‌شناسی در آزمون هگزاکو عبارت است از سازماندهی، پشتکار، کمال‌گرایی و احتیاط (آشتون و لی، ۲۰۰۴). افراد با نمره زیاد در این بعد، رویکرد ساختاری در تکالیف دارند؛ متمایل به نشان دادن خود هستند؛ اشتباهات را بدقت بررسی می‌کنند؛ توان تکمیل کردن آن را دارند و به هوشیاری و محتاط بودن و خودکنترلی تمایل دارند. این ویژگیها می‌تواند زمینه‌ساز سکوت فرد و تمرکز بر کار و تکلیف شود. هم‌چنین این افراد به استانداردهای بیرونی توجه خاص دارند. در نتیجه در تبیین رابطه مثبت وظیفه‌شناسی با خود خاموشی می‌توان به خودادراکی بیرونی توجه نمود که نشان‌دهنده تمایل افراد خودخاموش به قضاوت نمودن بر اساس استانداردهای خارجی در مورد خود است (آلی و جک، ۲۰۱۰). در تبیین رابطه مثبت وظیفه‌شناسی با خود خاموشی لازم است ویژگیهای خاص دوران نوجوانی را در نظر گرفت. نوجوانی دوره تغییرات ناگهانی است. این تغییرات، که یکباره و همزمان در وضعیت جسمی، نظام فکری و روحیات نوجوان رخ می‌دهد، صفات و ویژگیهایی جدید و اغلب زودگذر در وی ایجاد می‌کند (احدی و جمهری، ۱۳۸۶). بر همین اساس به نظر می‌رسد خودخاموشی را می‌توان جزو آن دسته صفاتی طبقه‌بندی کرد که به رغم آسیب‌زایی در دوران نوجوانی به میزان طبیعی و به فراوانی دیده می‌شود. در واقع به دلیل رشد گسترده استقلال "خود" در دوران نوجوانی برای نوجوان وظیفه‌شناس، رشد و اثبات خود اجتماعی و خود‌بایسته از اولویتهای اصلی به شمار می‌رود (ذبیحی‌دان، ۱۳۸۹) به گونه‌ای که برای دستیابی به آن حتی به سکوت و خاموش‌سازی خود روی می‌آورد. هم‌چنین گستردگی خودخاموشی در دوران نوجوانی در راستای شیوع افسردگی نوجوانی است؛ زیرا براساس شواهد تجربی، افسردگی در نوجوانی، گسترده‌ترین مشکل آسیب‌شناسی نوجوانی به شمار می‌آید. گسترش نسبتاً زیاد افسردگی در نوجوانان ۱۳٪ در جمعیت بالینی و ۳۵٪ در جمعیت غیر بالینی (پترسن، کامپس، بروکس‌گان، استیمر و گرانت^۱، ۱۹۹۳ به نقل از امیری برمکوهی، ۱۳۸۸) از یک سو و نقشی که خودخاموشی در افسردگی ایفا می‌کند (وی، راسل^۲ و زیکلک^۳، ۲۰۰۵)، از سوی دیگر، تغییر در تمایل نوجوان را در خود افشاگری توضیح می‌دهد. گویا نوجوان برای ایجاد هویت خود به صورتی گذرا به سکوت، انزوا، خاموشی و تمرکز بر دنیای درون می‌پردازد. نتایج تحلیلهای آماری در زمینه فرضیه دوم بیانگر این است که ابعاد فرزندپروری می‌تواند

1 - Peterson, Compass, Brooks Gun, Stemmer & Grant

2 - Russell

3 - Zakalik

خودخاموشی نوجوان را پیش‌بینی کند. بر اساس یافته‌های این پژوهش باید گفت که با افزایش گرمی و پذیرش و اعطای استقلال والدین، می‌توان افزایش خودخاموشی را در نوجوانان پیش‌بینی کرد. با توجه به اینکه خودخاموشی در سبب‌شناسی بسیاری از اختلالات روانشناختی مانند افسردگی و اضطراب، اختلالات خوردن، بی‌اشتهایی و پراشتهایی عصبی، بیماری نقص ایمنی بدن یا ایدز، اختلالات شخصیت، سندرم خستگی مزمن و سرطان نقش دارد (جک و آلی، ۲۰۱۰)، یافته‌های پژوهش در زمینه نقش مثبت گرمی و پذیرش و اعطای استقلال والدین در افزایش خودخاموشی، دور از انتظار به نظر می‌رسد؛ اما همان‌طور که اشاره شد در زمینه خودخاموشی لازم است به تفاوت‌های فرهنگی توجه خاصی کرد؛ زیرا نقش مثبت گرمی و پذیرش و اعطای استقلال در خودخاموشی با پژوهش داخلی دیگری هم‌راستا است که در زمینه خودخاموشی انجام شده است؛ زیرا در پژوهش ذبیحی‌دان (۱۳۸۹) نیز جهتگیری گفت و شنود، که یکی از کارکردی‌ترین و مثبت‌ترین عوامل خانوادگی به شمار می‌رود، خودخاموشی فرزندان را به صورتی مثبت پیش‌بینی می‌کند. نقش مثبت گرمی و پذیرش و اعطای استقلال والدین در خودخاموشی را می‌توان از دو دیدگاه مورد تبیین قرار داد:

در چشم‌انداز اول، لازم است ویژگی‌های خاص دوره نوجوانی را در نظر گرفت. در سنین نوجوانی به علت رشد استقلال‌طلبی، نوجوانان برای اثبات استقلال خود به فاصله گرفتن از خانواده می‌پردازند. گروه همسالان و شبکه‌های روابط اجتماعی برای نوجوان بویژه در اوایل و اواسط دوره نوجوانی، اهمیتی تعیین‌کننده دارد. در همین زمان توانایی درونی نوجوانان برای تنظیم عواطف، هیجانها و رفتارها کاهش می‌یابد و نیاز به منبع بیرونی تنظیم هیجان احساس می‌شود. برآورده شدن این نیاز جز در ساختار خانوادگی حمایت‌کننده، گرم و با محبت فراهم نیست. فقط چنین ساختاری می‌تواند واکنش‌های عاطفی و انگیزه‌های اجتماعی را برای روبه‌رو شدن با چالش‌های تنظیمی مهیا سازد. محیط گرم و با محبت خانواده همراه با پذیرش استقلال، به نوجوان که خواهان مستقل شدن و هویت‌یابی است، این اطمینان را می‌دهد که جو حاکم بر خانواده، آمادگی تغییرات درونی و بیرونی وی را دارد. در واقع گرمی و پذیرش و هم‌چنین اعطای استقلال والدین باعث تسریع فرایند هویت‌یابی و استقلال‌طلبی نوجوان می‌شود. از سوی دیگر در فرایند هویت‌یابی، روابط با همسالان برای نوجوان اهمیت ویژه‌ای دارد. بر همین اساس نوجوان که قضاوت دوستان و همسالان برای وی اهمیت زیادی دارد به مهار افکار، احساسات و رفتارهایش به منظور جلوگیری از به هم خوردن و یا از دست دادن روابط با همسالان می‌پردازد؛ حتی ممکن است با وجود

احساس خشم و رنجش درونی، رفتار سازگارانه‌ای را در پیش گیرد که این شیوه رفتاری نماینده "خود تقسیم شده" در رفتار خودخاموشی است (جک و آلی، ۲۰۱۰)؛ لذا گرمی و پذیرش والدین و اعطای استقلال والدین می‌تواند در رفتار خود خاموش نوجوان نقش ایفا کند.

در چشم‌انداز دیگری که می‌توان به تبیین نقش مثبت (دور از انتظار) گرمی و پذیرش و اعطای استقلال والدین در خودخاموشی نوجوانان پرداخت، باید به ویژگیهای فرهنگی جامعه ایرانی توجه کرد. همان‌طور که مطرح شد، صفت خودخاموشی در افراد معمولاً به این معناست که فرد در حل مسائل و مشکلات خود به تنهایی سعی دارد و معمولاً از بیان و افشا کردن مسائل و مشکلات خود پرهیز می‌کند (ویژمن^۱، ۱۹۹۷). والدین گرم و پذیرا با اینکه برای فرزندان خود حق اظهار نظر و استقلال قائل هستند، سکوت و پنهان کردن واقعیت‌ها و مسائل شخصی از دیگران را نیز در آنها تشویق می‌کنند. به نظر می‌رسد که در فرهنگ خانواده‌های ایرانی، رویکرد خودخاموشی لزوماً منفی نیست و مورد حمایت خانواده قرار می‌گیرد؛ زیرا در خانواده‌های ایرانی همواره به فرزندان گفته می‌شود حریم خصوصی خود را صرفاً برای خود حفظ کنند و به دیگران اجازه ورود به این حریم را ندهند (ذبیحی دان، ۱۳۸۹). به همین دلیل خانواده‌هایی که فرزندان خود را از در فضایی گرم و صمیمی پرورش می‌دهند و بر کاهش وابستگی، افزایش استقلال و خودمختاری تأکید دارند، معمولاً به فرزندان خود می‌آموزند که در پنهان کردن مسائل نزد خود سعی، و بخشی از خود را در روابط با دیگران خاموش یا سرکوب کنند. پژوهشی که به‌وسیله ذبیحی دان (۱۳۸۹) انجام شده نیز مؤید این دیدگاه است؛ زیرا خانواده‌های با جهتگیری گفت و شنود (جهتگیری مثبتی در خانواده است که والدین، زمینه بحث و گفتگو بین اعضای خانواده را فراهم می‌کنند.) نیز رفتار خودخاموشی را بین فرزندان خود رشد می‌دهند (ذبیحی دان، ۱۳۸۹)؛ لذا یافته‌های ناهمسو در زمینه خودخاموشی در پژوهشهای داخلی را می‌توان بر اساس تفاوت بین اشخاص در فرهنگهای فردگرا و جمعگرا توجیه کرد به گونه‌ای که در فرهنگهای جمعگرایی همچون ایران (سامانی، ۱۳۸۱)، اهمیت حفظ روابط، در نظر گرفتن حریمها و رعایت احترام بین‌فردی که در خانواده‌های با جهتگیری مثبت در فرزندپروری (گرم، پذیرا و حمایت‌کننده از استقلال) مورد تأکید قرار می‌گیرد، می‌تواند در دوران نوجوانی و جوانی، که دوره رشد استقلال خود است، نوجوانان جامعه ایرانی را دچار نوعی تعارض در زمینه خود واقعی و خود اجتماعی کند. در واقع، خانواده و جامعه

به افراد می‌آموزد کمتر به افشای احساسات و جستجوی حمایت اجتماعی در فرایندهای چالش‌انگیز بپردازند و در الگوی روابط خود، مراقب حفظ حریمهای شخصی در مقابل دیگران باشد. این آموزه‌ها، زمینه‌ساز انزوای اجتماعی، سرکوب بخشی از خود در روابط و در نهایت ایجاد خودخاموشی در نوجوان می‌شود. البته لازم به ذکر است که در نهایت پیدایش صفت خودخاموشی، تأثیرات منفی خود را در افراد به جا می‌گذارد. افرادی که دارای صفت خودخاموشی هستند در بیشتر موارد دچار افسردگی می‌شوند که پژوهشهای زیادی رابطه بین خودخاموشی و افسردگی را تأیید می‌کند (دوارت، تامپسون، ۱۹۹۹؛ گرتچ، بست و آترا، ۱۹۹۵؛ جک و دیل، ۱۹۹۲؛ پگی و همکاران، ۱۹۹۶، تامپسون، ۱۹۹۵ و تامپسون، ویفن و آیوب، ۲۰۰۱).

بخش دیگری از یافته این پژوهش بیان‌کننده نقش ویژگیهای شخصیتی در پیش‌بینی خود انتقادی است به طوری که متغیرهای برون‌گرایی، صداقت - فروتنی و وظیفه‌شناسی به صورت مثبت و معنادار و متغیرهای گشودگی به تجربه و هیجان‌پذیری به صورت منفی و معنادار خود انتقادی را پیش‌بینی می‌کند. در تبیین نقش مثبت برون‌گرایی در خود انتقادی باید به ویژگی این بعد در آزمون هگزاکو توجه کرد. برون‌گرایی دارای زیرمقیاسهای حراف بودن، اجتماعی بودن، سرخوشی، نیاز به محرک و ظرفیت تجربه عواطف مثبت است (اشتون و لی، ۲۰۰۴) و کم بودن این بعد با کمرویی، انفعال، کم تحرکی، عدم ابراز وجود، فردگرایی و نداشتن اطمینان خاطر در موقعیت‌های اجتماعی، تودار و ساکت بودن (پروین و جان، ۱۳۸۱؛ بشیری و همکاران، ۱۳۸۹) همراه است. افراد برون‌گرا با توجه به اهمیتی که برای روابط اجتماعی و فعال بودن در این روابط قائل هستند، به منظور بهبود کیفیت روابط خود به رفتارها، صحبت‌ها و عواطف خود با دیدی انتقادگرانه می‌نگرند؛ لذا افرادی که خودنقدهی خوبی دارند به گونه‌ای تمایل به برقراری ارتباط با دیگران دارند. این افراد تا حدی عدم ارتباط دیگران را با خودشان ناشی از رفتار خودشان می‌دانند و برای جبران این وضعیت در برقراری ارتباط با دیگران سعی می‌کنند. آنها به جبران خطاها و اشتباهات خود برای ایجاد روابط نزدیک و صمیمی با اطرافیان تلاش زیادی می‌کنند. هم‌چنین اشخاص خودمنتقد به تعریف درست و واقع‌گرایانه‌ای از خود نرسیده‌اند و اهداف و معیارهای زیادی را برای خود در زمینه‌های مختلف در نظر می‌گیرند و برای دستیابی به این اهداف تلاشهای رقابت‌جویانه زیادی را بدون در نظر گرفتن محدودیتهای شخصی خود متحمل می‌شوند (ذبیحی‌دان، ۱۳۸۹). آنها همواره نیاز به تأیید اطرافیان خود دارند تا از نتیجه کار خود راضی شوند. به همین دلیل دائماً در جمع اطرافیان خود هستند تا در سایه حمایت آنها بتوانند تصمیم‌گیری کنند.

بر همین اساس برونگرایی می‌تواند در خودانتقادی نوجوانان نقش داشته باشد. این یافته با پژوهش سروقد و همکاران (۱۳۹۰) همراستا است که نشان می‌دهد برونگرایی در صورتی که با شیوه مقابله هیجان‌مدار همراه باشد، رابطه مثبت و معناداری با کمال‌گرایی منفی (خود انتقادی) دارد. در زمینه نقش مثبت صداقت - فروتنی در خودانتقادی باید گفت صداقت - فروتنی دارای ویژگیهای خلوص، بیطرفی، دوری از طمع، و عفت است (آشتون و لی، ۲۰۰۴). افراد با این ویژگی شخصیتی، نوعاً با صداقت، بیطرفی، دارای خلوص و وضوح شخصیتی، فروتن و فاقد حرص و طمع هستند. رابطه مثبت بین صداقت - فروتنی و خودنقدی بیانگر این واقعیت است که افرادی که صادق هستند به دستکاری خود و دیگران در الگوی روابط خود تمایلی ندارند؛ هر گونه مشکل در عدم برقراری ارتباط با دیگران یا نرسیدن به اهداف را به خودشان نسبت می‌دهند و آن را در نتیجه عمل خود می‌دانند؛ لذا از آنجا که این افراد به برقراری ارتباط و دستیابی به هدف، بدون انگیزه دستکاری یا فریب دیگران می‌پردازند، بیشتر به انتقاد از خود روی می‌آورند. از دیگر یافته‌های این پژوهش ارتباط مثبت و معنادار وظیفه‌شناسی با خودنقدی است. افراد با ویژگی شخصیتی وظیفه‌شناسی با سازماندهی، کارسخت، دقت و تمامیت شناخته می‌شوند. وظیفه‌شناسی دارای عوامل سازماندهی، پشت کار، کمال‌گرایی و احتیاط است (آشتون و لی، ۲۰۰۴). خودنقدی نیز با کمال‌گرایی، تعیین اهداف و معیارهای بزرگ و غیر واقعی، تلاش زیاد برای رقابت و برتری مشخص می‌شود (ذبیحی‌دان، ۱۳۸۹)؛ لذا افرادی که زیاد وظیفه‌شناس هستند به جزئیات توجه زیادی می‌کنند و برای دستیابی به اهداف، احتیاط و سازماندهی زیادی را به کار می‌برند و بر همین اساس بیشتر خود را مورد نقد و انتقاد قرار می‌دهند. نقش منفی گشودگی به تجربه در خود انتقادی را باید در ویژگیهای افرادی جستجو نمود که نسبت به تجربه باز هستند. گشودگی به تجربه در هگزاگو با چهار مقیاس درک زیبایی‌شناختی، کنجکاوی، خلاقیت و غیر سستی بودن مشخص شده است (آشتون و لی، ۲۰۰۴). با توجه به اینکه گشودگی به تجربه با جستجوی برای دریافت اطلاعات، توجه به به زیباییهای طبیعت، علاقه به مسافرت و گشت و گذار (بشیری و همکاران، ۱۳۸۹) همراه می‌شود، این افراد در ارزیابیها بیشتر، بیرون و تجربه محیطی را مورد توجه قرار می‌دهند و لذا کمتر به انتقاد از خود و عوامل درونی می‌پردازند. آنها چنانچه دچار مشکل و مسئله‌ای شوند، راه‌حلهای خلاقانه و جدید را برای حل آن جستجو می‌کنند، نه اینکه به تحلیل و انتقاد از خود بپردازند. یکی از یافته‌های به دور از انتظار در این بخش، نقش منفی هیجان‌پذیری در خود انتقادی است. هیجان‌پذیری دارای ویژگیهای ترسو بودن، اضطراب، وابستگی و احساساتی

بودن است (آشتون و لی، ۲۰۰۴). افراد هیجان‌پذیر، ترس زیادی از آسیب دارند؛ ترسو و خجالتی هستند و تنش زیادی در مقابل با مشکلات احساس می‌کنند (بشیری و همکاران، ۱۳۸۹). به نظر می‌رسد افراد با این ویژگیها بیشتر با شخصیت وابسته در نظریه بلات در ارتباط باشند. بلات و همکاران (۱۹۷۹) در معرفی تجربه افسرده‌ساز دو محور کلی وابستگی و خود انتقادی را مورد توجه قرار می‌دهند. افراد هیجان‌پذیر کمتر به خود انتقادی روی می‌آورند و در روابط خود، بیشتر الگوی وابستگی را نشان می‌دهند. هم‌چنین افراد هیجان‌پذیر، ترس زیادی را تجربه می‌کنند. با توجه به این نکته، که خود انتقادی ساختار کنترل درونی به شمار می‌رود (آنجن، ۲۰۱۱)، روبه‌رو شدن با نقاط ضعف و اشتباهات درونی نیاز به شجاعت نسبی دارد که این افراد فاقد آن هستند. نتایج این بخش با پژوهش منگرین (۱۹۹۳) و زوروف (۱۹۹۴) متناقص است. در پژوهش منگرین (۱۹۹۳) روان‌نژندی به صورت مثبت و برونگرایی به صورت منفی، خود انتقادی را پیش‌بینی می‌کند. زوروف (۱۹۹۴) نیز نشان داد که روان‌نژندی رابطه مثبتی با خود انتقادی در زنان و مردان دارد و خود انتقادی در زنان با توافق‌پذیری پیش‌بینی می‌شود. این تناقض تا حدی می‌تواند به دلیل تفاوت در ابزارهای پژوهش برای سنجش ویژگیهای شخصیتی باشد؛ زیرا در هر دو پژوهش ذکر شده، ابزار مورد استفاده پرسشنامه نفو بوده که بر اساس الگوی پنج عامل بزرگ شخصیت طراحی شده است.

نتایج تحلیلها در زمینه نقش ابعاد فرزندپروری در خود انتقادی نوجوانان، نشان‌دهنده نقش مثبت نظارت و سختگیری والدین در خود انتقادی فرزندان است. در بعد نظارت و سختگیری، والدین استانداردهایی را برای فرزندان خود در نظر می‌گیرند که فرزندان به رعایت این استانداردها ملزم هستند. از طرفی بعد نظارت و سختگیری به شکل گیری الگوهای ذهنی از خود، جهتگیری درون فکن و متمرکز بر خودنقدی در فرزندان منجر می‌گردد. این جهتگیری با ارزیابیهای موشکافانه، غیرواقعی و انتقادی از فضائل و کمالات، بزرگ‌نمایی اشتباهات خود و رقابت و تلاش زیاد در دستیابی به معیارهای مطلق و کمال‌گرایانه همراه است که به احساسات منفی مرتبط با عزت نفس، همچون احساس شکست، احساس گناه و احساس بی ارزش بودن منجر می‌گردد. چنین افرادی دائماً در حال نقد تمام اعمال و کارهای خود هستند (ذبیحی‌دان، ۱۳۸۹). منظور از نظارت خانواده میزان محدودیتها و مدیریتی است که والدین در رفتارهای فرزندان خود به کار می‌برند. در واقع زمانی که والدین، راهنماییها، انتظارات و قوانین رفتاری روشن و با ثباتی فراهم می‌کنند، فرزندان آنها تلاش و سماجت بیشتری برای تکالیف نشان می‌دهد (حسینی، ۱۳۹۰). این موضوع زمینه‌ساز

تمرکز بر تجزیه و تشریح نقادانه جزئیات و شکل‌گیری خود انتقادی در فرزندان می‌گردد؛ زیرا هدف اولیه افراد خود منتقد، مورد پذیرش واقع شدن، ابراز وجود^۱، کنترل، استقلال، اقتدار^۲ و اعتبار^۳ است. این نتایج با پژوهش ذبیحی‌دان (۱۳۸۹) همراستا است که نشان داد جهتگیری هم‌نواپی در خانواده پیش‌بینی‌کننده مثبت و جهتگیری گفت و شنود پیش‌بینی‌کننده منفی خود انتقادی فرزندان است.

یافته‌های پژوهش در زمینه سؤال پژوهش، بیانگر این است که از بین عوامل فردی (ویژگیهای شخصیتی) و عوامل خانوادگی (ابعاد فرزندپروری خانواده) در تبیین خود انتقادی، مهمترین عامل، برونگرایی است، متغیر مهم بعدی، صداقت - فروتنی و آخرین متغیر وظیفه‌شناسی است. با توجه به اینکه هر سه متغیر دارای اهمیت در خود انتقادی به ویژگیهای شخصیتی مرتبط است، باید گفت از بین عوامل فردی و خانوادگی برای تبیین خودنقدی، نقش عامل فردی قابل توجه است. هم‌چنین از بین عوامل فردی (ویژگیهای شخصیتی) و عوامل خانوادگی (ابعاد فرزندپروری خانواده) در تبیین خودخاموشی نوجوانان به ترتیب باید متغیرهای گرمی و پذیرش (از ابعاد فرزندپروری)، هیجان‌پذیری و سازگاری (از ابعاد ویژگیهای شخصیتی) را مورد تأکید قرار داد؛ لذا باید گفت از بین عوامل فردی و خانوادگی برای تبیین خودخاموشی هر دو عامل قابل توجه است.

در پایان شایان ذکر است که نتایج این پژوهش از دو جنبه نظری و کاربردی قابل توجه است: از جنبه نظری، پژوهش در زمینه افسردگی نوجوانی و بویژه سازه‌های افسرده‌سازی مانند خودخاموشی و خودانتقادی در آغاز راه بررسیهای علمی است. همان‌طور که ذکر شد، خودانتقادی و خودخاموشی، سازه‌های جدیدی به شمار می‌آید که رابطه زیاد آنها با افسردگی تا حدی ثابت شده است. با توجه به اینکه نوجوانی، دورانی است که در آن تغییرات رشدی گسترده‌ای در تمام ابعاد به وجود می‌آید، اهمیت توجه به این سازه‌ها برای تبیین ماهیت علمی آنها با توجه به فرهنگ ایرانی شایان توجه است به گونه‌ای که متناقض بودن برخی از یافته‌ها، شاهدی بر لزوم توجه به گسترش شواهد علمی در زمینه این متغیرهاست. این پژوهش تلاشی در پر کردن این خلأ پژوهشی است. از جنبه کاربردی نیز می‌توان افرادی را که با توجه به ویژگیهای شخصیتی خود، مستعد خود انتقادی و خودخاموشی هستند، شناسایی کرد و اقدامات پیشگیرانه را با

1 - Self Assertion
2 - Power
3 - Prestige

بهره‌گیری از عوامل خانوادگی برای کاهش افسردگیها و مشکلات آینده در مورد آنها انجام داد. نقشی که فرهنگ و خانواده می‌تواند در رشد خود خاموش‌سازی داشته باشد، که خود زمینه‌ساز افسردگی است، شایسته توجه خاص است. هم‌چنین با توجه به اینکه پژوهش به شیوه‌ای توصیفی اجرا شده، نبود استنباط علی و عدم مطالعه گروه‌های بالینی مختلف (اختلالات خلقی، اضطرابی و اختلالات شخصیت) از محدودیت‌های پژوهش است. دسترسی نداشتن به نمونه‌های بالینی و نیز استفاده از پرسشنامه به عنوان تنها منبع جمع‌آوری اطلاعات از محدودیت‌های پژوهش است. به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود ساختار پیشایندها و پیامدهای خود خاموشی و خود انتقادی را از جنبه‌های مختلف شناختی، انگیزشی، هیجانی / اجتماعی و خانوادگی مورد تحلیل قرار دهند. هم‌چنین به نظر می‌رسد لازم است سازه خود انتقادی نیز مانند کمالگرایی، بر اساس ابعاد مثبت / منفی (سازگار و ناسازگار) و سازه خودخاموشی بر اساس ابعاد فرهنگی در پژوهش‌های آینده مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- احدی، حسن؛ جمهری، فرهاد (۱۳۸۶). روانشناسی رشد: نوجوانی، بزرگسالی (جوانی، میانسالی، پیری). ج ششم. تهران: انتشارات شرکت پردیس ۵۷.
- امیری برمکوهی، علی (۱۳۸۸). آموزش مهارت‌های زندگی برای کاهش افسردگی. فصلنامه روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی). ۵ (۳): ۲۹۷ تا ۳۰۶.
- حسینی، فریده السادات؛ خیر، محمد (۱۳۹۰). نقش ارزیابی شناختی در تبیین ابعاد فرزندپروری با هیجانات تحصیلی ریاضی و تنظیم هیجانی. مجله مطالعات آموزش و یادگیری. ۱ (۳): ۱۷ تا ۴۶.
- شولتز، دو آن؛ شولتز، سیدنی الن (۱۳۸۸). نظریه‌های شخصیت. ترجمه: یحیی سید محمدی. تهران: ویرایش ذبیحی‌دان، سحر (۱۳۸۹). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و احساس تنهایی با واسطه‌گری خودنقدی و خودخاموشی. پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد. شیراز. دانشگاه شیراز.
- پالاهنگ، حسن؛ نشاط‌دوست، حمیدطاهر؛ مولوی، حسین (۱۳۸۸). هنجاریابی پرسشنامه شش عاملی شخصیت HEXACO-PI-R در دانشجویان ایرانی. فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز. ۴ (۱۶): ۹۶
- Amitay, O. A., Mongrain, M., & fazaa, N. (2008). Love and control: Self-criticism in parents and daughters and perceptions of relationship partners. *Personality and Individual Differences*, 44, pages 75-85.
- Besser, A. & Priel, B. (2005). The apple does not fall far from the tree: Attachment styles and personality vulnerabilities to depression in the three generations of women. *Personality and social psychology Bulletin.*, Vol. 31, pp. 1052-1073.
- Bjarnason, T., Bendtsen, P., Arnarsson, A. M., Borup, I., Iannotti, R. J., Loftstedt, P.,

- Haapasalo, L., & Niclasen, B. (2012). Life satisfaction among children in different family structures: A comparative study of 36 Western Societies. *Children & Society*, 26, 51-62.
- Blatt, S. J. (1974). Levels of object representation in anaclitic and introjective depression. *Psychoanalytic Study of the Child*, 24, 107-157.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting styles as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113, 487-496.
- Deborah, J., & L. Gustavo, C. (2004). The differential relations of maternal and paternal support and control to adolescent social competence, self-worth, and sympathy, *Journal of Adolescent Research*, 719n6, pages 759-782.
- Demet, E. O., (2006). The relationships between self-criticism, submissive behavior and depression among Turkish adolescents. *Personality and Individual Differences*, 41, 793-800.
- Duarte, L. M., & Thompson, J. M. (1999). Sex differences in self-silencing. *Psychological Reports*, 85, 145-161.
- Fitzpatrick, M. A., & koener, F. S. (2004). Family communication schema effect on children's resiliency running head: Family communication schemata.
- Fitzpatrick, M. A., & koener, F. S. (2004). Family communication schema effect on children's resiliency running head: Family communication schemata.
- Flett, G. L., Besser, A., Hewitt, P. L., Davis, R. A. (2007). Perfectionism, silencing the self, and depression. *Personality and Individual Differences* 43: 1211-1222.
- Gratch, L.V., Bassett, M. E., & Attra, S. L. (1995). The relationship of sex and ethnicity to self-silencing and depression among college students. *Psychology of women Quarterly*, 19, 509-515.
- Jack, D. C. (1991). *Silencing the self*. Cambridge, MA: Harvard university.
- Jack, D. C., & Dill, D. (1992). The Silencing The self Scale: schemas of intimacy associated with depression in women. *Psychology of women Quarterly*, 16, 97-106.
- Jack, D. C., & Dill, D. (1992). The silencing the self scale: schemas of intimacy associated with depression in women.
- Kafle, A., & Thakali, M. (2013). Social relations in adolescence: role of parent and peer relationships in adolescent psychological development. Bachelor Thesis, Kemi-Tornio University of Applied Sciences.
- Kuperminc, G., Blatt, S. J., and leadbeater, B. (1997). Relatedness, self- definition, and early adolescent adjustment. *Cognitive Therapy and Research*. 21: 301-320.
- Kuperminc, G., Blatt, S. J., and leadbeater, B. (1997). Relatedness, self- definition, and early adolescent adjustment. *Cognitive Therapy and Research*. 21: 301-320.
- Mongrain, M. (1993). Dependency and self-criticism located within the five-factor model of personality. *Personality and individual differences* 15: 455-462.
- Onjen, D. E. (2011). The relationships among perfectionism, self criticism and identity styles in Turkish university students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 565 - 572.
- Page, J. R., Stevens, H. B., & Galvin, S. L. (1996). Relationships between depression, self-esteem, and self-silencing behaviour. *Journal of social and clinical psychology*, 15, 381-396.
- Santor, D. A. Rosenbluth, M. (2005). Evaluating the contribution of personality Factors to Depressed Mood in Adolescents. In M. Rosenbluth, S.H. Kennedy & R.M. Bagby (Eds.), *Depression and personality: conceptual and clinical challenges*, (chapter 9, pp. 230-262). American psychiatric publishing, Inc. [www.appi.org].
- Thompson, J. M. (1995). Silencing the self-depressive symptomatology and close relationships. *Psychology of women Quarterly*, 19, 337-353.
- Thompson, J. M., Whiffen, V. E., & Aube, J. A. (2001). Does self-silencing link perceptions of care from parents and partners with depressive symptoms? *Journal of social and personal Relationships*, 18, 503-516.

- Thompson, J. M., Whiffen, V. E., & Aube, J. A. (2001). Does self-silencing link perceptions of care from parents and partners with depressive symptoms? *Journal of social and personal Relationships*, 18, 503-516.
- Thompson, R. & Zuroff, D. C. (2004). Dependency, self-criticism and Mother's Responses to Adolescent son's Autonomy and competence. *Journal of youth and Adolescence*, Vol. 28, No. 3, pp. 365-384.
- Wei, M., Russell, D. W., & Zakalik, R. A. (2005). Adult Attachment, social self-Efficacy, self-Disclosure, loneliness, and subsequent Depression for Freshman college students: A longitudinal study. *Journal of Counseling psychology*, Vol. 52, No. 4, pp. 602-614.
- Witte, T., Sherman, M. F., Flynn, L. (2001). Silencing the self and the big five: a personological profile of silent women. *Psychological Reports* 88:655-63.
- Xiamei, G., & Slesnick, N. (2011). The role of child gender, problem behaviors, and the family environment on maternal depressive symptoms: findings from mothers of substance abusing runaway adolescents. *Journal of community Psychology*, 39, 786-803.
- Zakeri, H., Jowkar, B., Razmjoe, M. (2010). Parenting styles and resilience. *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 5 :1067-1070.
- Zakeri, H., Karimpour, m. (2011). Parenting Styles and Self-esteem. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 29: 758 – 761.
- Zuroff, D. C. (1994). Depressive Personality Styles and the Five-Factor Model of Personality. *Journal of Personality Assessment* 63, 453-472.
- Zuroff, D. J., Igreja, I., & Mongrain, M. (1994). Dysfunctional attitudes, dependency, and self-criticism as predictors of depressive mood states: A 12- Month longitudinal study. *Cognitive Therapy and Research*, Vol. 14, pp. 315-326.